

## موقعیت زنان و کودکان فلسطینی، نسل‌کشی در غزه و پیامدهای آن!



### سحر صبا

از زمان شکل‌گیری اسرائیل در منطقه در سال ۱۹۴۸، جهان تا کنون همواره شاهد کشتار مردم فلسطین و اشغال سرزمین آنها بوسیله دولت اسرائیل با حمایت آشکار قدرت‌های امپریالیستی بوده است. تا به امروز تاریخ تجاوز صهیونیستی در اشغال سرزمین فلسطین با ترور و قتل و نسل‌کشی نوشته شده است.

بر کسی پوشیده نیست، دولت اسرائیل در جهت سیاست‌های آمریکا و اعمال هژمونی بر منطقه خاورمیانه شکل گرفت. در حقیقت تنیدگی سلطه اسرائیل با منافع و سیاست‌های امپریالیسم آمریکا آنچنان عمیق و غیر قابل انکار است که رونالد ریگان رئیس‌جمهور سابق این کشور، از اسرائیل به عنوان “ناو هوآپیما بر آمریکا در منطقه” نام می‌برد و جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا در جریان حمله اسرائیل به لبنان در سال ۲۰۰۶ با وقاحت تمام گفت: “آنچه در حال حاضر در لبنان و فلسطین می‌گذرد، یک عملیات اسرائیلی مورد حمایت آمریکا نیست؛ بلکه یک عملیات آمریکائی است که بوسیله اسرائیل انجام می‌پذیرد” (تیری میسان روزنامه نگار فرانسوی). اهداف استراتژیک امپریالیسم آمریکا از طریق اسرائیل با اشغال فلسطین و توسل به سرکوب، تجاوزگری و کشتار بیش از ۷ دهه است که ادامه دارد، اما فجیع‌ترین کشتار مردم فلسطینی، نسل‌کشی‌ای است که در ۶ ماه گذشته جریان داشته و دامنه جنایاتی که اسرائیل تا کنون در غزه مرتکب شده است، در تاریخ بشری بی سابقه است.

غزه بزرگ‌ترین زندانی در جهان محسوب می‌شود که قریب ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر را تحت محاصره و کنترل دائمی اسرائیل در خود جای داده بود.

سازمان ملل متحد سال گذشته خبر داد که از سال ۱۹۶۷، زمانی که رژیم اسرائیل نوار غزه و کرانه باختری را اشغال کرد تا کنون، حدود یک میلیون فلسطینی زن و مرد و کودک را دستگیر کرده است. به عبارت ساده‌تر از هر پنج فلسطینی، یک نفر از سوی رژیم صهیونیستی دستگیر و متهم شده است. از هر ۵ مرد فلسطینی حداقل دو نفر بازداشت و متهم شده است. همچنین از هر ۱۰ مرد فلسطینی، حداقل چهار نفر بخشی از زندگی خود را در زندان‌های رژیم اسرائیل سپری می‌کنند.

### جنایات اسرائیل پیش از ظهور حماس

**تخریب هتل ملک داوود:** هتل “ملک داوود” در قدس در سال ۱۹۳۱ ساخته شد این هتل در ژوئیه ۱۹۴۶ به دست گروه‌های تروریستی صهیونیستی هاگانا، ایرگون و اشترون با ۳۵۰ کیلوگرم مواد منفجره به طور کلی ویران و ۹۱ نفر کشته شدند.

**دیر یاسین:** دیر یاسین نام روستایی کوچک نزدیک قدس است، جمعیت این روستا در سال ۱۹۴۸ حدود ۷۰۰ نفر بود. در سال ۱۹۴۸ دیر یاسین شاهد هجوم ۳ گروه مسلح به نام ارگون به سرکردگی مناخیم بگین، گروه اشترون به سرکردگی اسحاق شامیر و گروه هاگانا به سرکردگی دیوید بن گوریون بود. در این یورش که با مقاومت ساکنان روستا همراه بود، ۲۵۰ نفر کشته شدند. همچنین در این حمله فجایع دیگری از جمله تجاوز جنسی، مثله کردن، پاره کردن شکم زنان باردار رخ داد.

**لد و رمله:** ژوئن ۱۹۴۸، اسرائیلیها با حمله به این دو روستا ۱۷۶ فلسطینی را به شهادت رساندند. داده‌های اخی سازمان ملل متحد نشان می‌دهند که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا اواسط سال ۲۰۱۹ به دنبال حوادث و درگیری با شهرک نشینان اسرائیلی، ۵۵۰۱ نفر پس از شرکت در تظاهرات یا طی عملیات‌های ردیابی از سوی نیروهای اسرائیلی، جان خود را از دست دادند که از این تعداد ۸۰۴ نفر زن و دختر بودند. همچنین، حدود ۹۰۰۰ زن و دختر فلسطینی طی همین مدت مجروح شدند.

گروه نظامی هاگانا وحشیانه‌ترین جنایات را در حق مردم فلسطین روا داشتند و دست به کشتارهای دسته جمعی فجیعی زدند. “آریبه یتسحاقی” مورخ نظامی اسرائیلی می‌گوید ارتش اسرائیل طی ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۹، مرتکب ۱۲۰ قتل عام در مناطق مختلف فلسطین شد که در هر کدام بیش از ۵۰ نفر قربانی شدند.

با توجه به این موارد، نخستین جنگ فلسطینی ها و صهیونیست‌ها چیزی در حدود ۷۵۰ هزار فلسطینی را بی‌خانمان کرد. عصام سخینی این نقطه را پایان کار نمی‌داند و ساخت شهرک‌های اسرائیلی در طول خط آتش بس را از طرفی و همچنین دستور رهبران صهیونیست برای کشتار تمامی کسانی که به خود جرأت عبور از مرزها را می‌دهند از طرفی دیگر، به عنوان فصل جدیدی از نسل‌کشی فلسطینیان تلقی می‌کند.

**النکبه** را می‌توان تجلی تام نسل‌کشی دانست؛ تخریب مکان‌ها و نابودی یک مرحله‌ای حدود نیمی از روستاهای فلسطین، کشتار حدود ۱۳ هزار نفر، متلاشی نمودن ساختار اجتماعی، پاک کردن نام فلسطین از نقشه‌ها، از بین بردن هرگونه امکان تأسیس حاکمیت سیاسی فلسطینی و کوچ دادن فرزندان این سرزمین و ممانعت از بازگشت آنها. بر گردیم به جنگ ۶ ماه گذشته در غزه؛ هر چند این جنگ خانماز سوز جنگ بین حماس و دولت فاشیست نتانیاهاو اعلام شده و دولت اسرائیل با حمایت آمریکا و اتحادیه اروپا سعی نموده با استفاده از مجهزترین سلاحهای جنگی و بمب افکنها نه تنها زیر ساختهای غزه را از نظر اقتصادی و فرهنگی تخریب نماید بلکه به قتل عام مردم غزه که آمار کشته ها از ۳۳۴۰۰ نفر هم بالا زده دست بزند. از این تعداد قربانیان ۷۰ درصد زنان و کودکان اند. آمار کشته شدن بچه ها بالای ۱۴۰۰۰ نفر تخمین زده شده و آمار افراد زیر آوار و مفقود شده تقریبا ۷۰۰۰ نفر و تعداد مجروحان ۷۶۰۰۰ نفر. فاشیستهای اسرائیلی تنها به این کشتار و زخمیها بسنده نکرده، بلکه با تخریب بیمارستانها و بقتل رساندن پرسنل بیمارستان و وادار نمودن بالای ۱.۷ میلیون نفر از مردم غزه به کوچ اجباری عرصه را تنگتر نموده، از رسیدن نیازهای اولیه غذایی، بهداشتی، آب آشامیدنی و تجهیزات درمانی برای مداوای زخمیان و بیماران ممانعت به عمل آورده اند و بالای یک میلیون نفر فلسطینی را در شهر رفح به گرسنگی کشانده اند. با دامن زدن به جنایات بیشتر در جلو چشم جهانیان، با دستگیری مدام زنان، مردان و کودکان و شکنجه نمودن آنها بطرز وحشیانه که ویدئوهای آنها دست به دست در فضای مجازی میگردد به این فجایع ادامه داده و از چهره کریه صهیونیستی خود هر روز بیشتر پرده بر میدارند.

هر چند اسرائیل درانتقام به حمله حماس به اسرائیل که در ۷ اکتبر رخ داد، هدف لشکرکشی و راه اندازی ماشین کشتار خود را نابودی حماس و آزادی گروگانها اعلام کرده است، اما اهداف و سیاستهای اشغالگرانه اش دقیقا عکس این اهداف را نشان میدهد. اسرائیل ریاکارانه در این جنگ نابرابر با حمایتهای تسلیحاتی و مالی آمریکا و اروپا در پی تصاحب بخشهای بیشتری از سرزمینهای فلسطین، پاکسازی نژادی در سطح بسیار وسیع، و اعمال حاکمیت بر فلسطین و تامین منافع خود و آمریکا در منطقه می باشد.

تا آنجا که به حماس بر میگردد، حماس یک جریان ارتجاعی و ضد انقلابی است. تعیین سیاستها و شکل گیرش نه تنها در خدمت به منافع مردم فلسطین انجام نگرفته بلکه خود جریان حماس و بنیادگرائی اسلامی در فلسطین با طرح و برنامه امپریالیستها در مقابله با سرکوب نیروهای چپ، آزادیخواه و ملی فلسطین شکل گرفت و وحشت از بقدرت رسیدن یک جریان و نیروی مترقی در فلسطین. اما جنایات اسرائیل بر مردم فلسطین حادثه ای نیست که با شکل گرفتن حماس اتفاق افتاده باشد، سرکوب و اتوریته اسرائیل در این منطقه از چند دهه قبل شروع شده، که به قیمت قتل عام مردم فلسطین و ویرانی و خرابی محل زیست آنها تمام شده. طبق شواهد اسرائیل پیش از آنکه بخواهد به اهدافش که نابودی حماس است برسد در پی آن است فلسطینیان را از غزه بیرون کند. در اواسط اکتبر، وزرات اطلاعات اسرائیل طرحی پیشنهادی آماده میکند که ۲/۳ ( دو سوم ) ملیون ساکن غزه به زور و برای همیشه به شبه جزیره سینا انتقال داده شوند. بطوریکه روزنامه اسرائیل هیوم فاش کرد بنیامین نتانیاهاو می خواهد “ شمار فلسطینیان ساکن در نوار غزه را به حداقل ممکن کاهش دهد”.

دولت اسرائیل که اهداف خود را بر مبنای نابودی حماس و پس گرفتن گروگانها گذاشته، طبق شواهد تا کنون بدون قصور از هر وحشیگری که به نسل‌کشی مردم غزه با استفاده از مجهزترین سلاحهای جنگی ختم شده حتی نتوانسته به درصدی از این اهداف برسد. این نسل‌کشی به انزوای سیاسی دولت نیانتاهاو و طرفدارانش در سطح جهان، افشاء شدن چهره کریه آنها و افزایش صف مخالفینش در اسرائیل تبدیل شده است. از سوی دیگر، ادامه این جنگ سیاستهای فاشیستی دولت اسرائیل در طول بیش از ۷ دهه که با تجاوز و کشتار و شهرک سازی، زندان، سرکوب و محاصره اقتصادی بر مردم فلسطین همراه بوده را بیشتر بر جهانیان آشکار نموده است. تا اینجا نابودی حماس و آزادی گروگانها برای دولت اسرائیل در همکاری با شرکایش آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه به کابوسی تبدیل شده است و از سوی دیگر، زیر فشار افکار عمومی طرفداران فلسطین و اعتراضات مردمی گسترده در سطح جهان برای آتش بس و خاتمه دادن به جنایات موجود در غزه، شکست اسرائیل را محتمل نموده است.

### **ایدئولوژی صهیونیسم در مساله نسل‌کشی فلسطینیان؛ هیچ‌کس زنده نماند!**

از سوی دیگر، ریشه این همه قساوت و بیرحمی صهیونیستها نسبت به مردم فلسطین را باید در ایدئولوژی منبعث از دین یهود جستجو نمود. یک پژوهشگر عرب در یاد داشتی به برخی از شاخصه های مهم نسل‌کشی در هم تنیده در ایدئولوژی صهیونیسم پرداخته و تاکید کرده که صهیونیست‌ها از این تفکرات برای از بین بردن موجودیت فلسطینیان بهره می‌برند.

“عده” پژوهشگر عرب در یادداشتی در ارتباط با افکار و ایده‌های خطرناک صهیونیسم جهانی، می‌نویسد: در می ۲۰۰۹ مجله یهودی-آمریکایی Moment گفت وگویی را با مانیس فریدمن، خاخام صهیونیست، در خصوص شیوه صحیح تعامل یهودیان فلسطین با همسایگان عرب شان ترتیب داد. فریدمن در این مصاحبه صراحتاً گفت: “من به اخلاقیات غربی کمترین ایمانی ندارم. اخلاقیاتی مانند اینکه نباید شهروندان و کودکان را کشت، قبرستان‌ها را نبایست بمباران کرد، نباید پیش از شلیک طرف مقابل به سوی او تیراندازی کرد، نباید اماکن مقدس را تخریب کرد و... مطلوب‌ترین شیوه اخلاقی جنگ، همانی است که قوم یهود در پیش می‌گیرند؛ ویران کردن اماکن مقدس دشمنان و سلاخی مردان، زنان، کودکان و حتی چهارپایان آنها. تنها راهی که به وسیله آن می‌توان فلسطینی‌ها را به زانو درآورد، همین است و بس. این عقیده که مبتنی بر ارزش‌های تورات است، چونان فانوس دریایی ملت‌های رنجیده از این قبیل اخلاقیات مخرب بر ساخته بشری را نجات خواهد داد.

فریدمن تورات را به عنوان مرجعی دینی- تاریخی برای جنبش صهیونیسم بر علیه تجاوز، اشغالگری و کشتار فلسطینیها را موجه دانسته و با وقاحت و بیشرمی هم بر اجرای آن پای میفشارد. موضع فریدمن همان موضعی است که یهودیان بر مبنای آن سرزمین فلسطین را غصب کردند و مردم فلسطین را تروریسم نامیدند، به قتل عام، پاکسازی نژادی، آواره نمودن اجباری مردم پرداخته، در چند ماه گذشته به عینیت به نسل‌کشی دست زده و بیش از ۷ دهه است به آن مشروعت داده اند.

“عصام سخنیی استاد سابق تاریخ دانشگاه” پترا“ با تکیه بر شخصیت یشوع فرمانده قوم یهود، او را بارزترین و الهام بخش‌ترین شخصیت برای راهبران صهیونیسم می‌داند. بن‌گوریون اولین نخست‌وزیر اسرائیل در جمله‌ای مشهور گفته است: باید شخصیت یشوع بن نوع در ساختار ارتش اسرائیل استمرار یابد. این عقیده اسطوره محور صرفاً در مسائل حاکمیتی و نظامی اسرائیل خلاصه نمی‌شود، بلکه طی دهه‌ها در نظام آموزشی اسرائیل هم آموزش داده شده است. جورج تمارین، استاد روان‌شناسی دانشگاه تل‌آویو به‌منظور اثرسنجی روایت‌های مربوط به نسل‌کشی‌های یشوع بر ذهنیت دانش‌آموزان دبیرستانی اسرائیلی، پیمایشی را با جامعه آماری ۱۰۰۰ نفر متشکل از دانش‌آموزان دختر و پسر در مدارس اسرائیل انجام داد. نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد از دانش‌آموزان اسرائیلی معتقدند کشتارهایی که یشوع در اریحا و مکیده انجام داده است، کاملاً صحیح بوده و هرگز اتفاق ناگواری تلقی نمی‌شود. همچنین ۳۸ درصد دانش‌آموزان معتقدند که امروزه نیز ارتش اسرائیل باید عیناً همان کشتارها را در همه شهرها و روستاهای فلسطین تکرار کند. نسل‌کشی که امروزه از طریق دولت نیانتاهو در غزه در جریان است همراه با آواره نمودن مردم فلسطین و ایزوله نمودن آنها، بسیج نمودن صهیونیست‌ها در جاده‌ها برای اینکه کم‌کم‌های امدادی به فلسطینیها نرسد و از گرسنگی تلف شوند دقیقاً نمونه مشخصی از همین ایدئولوژی ارتجاعی و بربریت صهیونیستی است که امروز ما شاهد آنیم.

سیاست‌های فاشیستی اسرائیل در قبال غزه و مردم فلسطین یک بخش از سیاست بورژوازی جهانی است که دقیقاً در راستای سیاست‌های امپریالیستی آمریکا و انگلیس، آلمان و فرانسه عمل می‌نماید. فاشیسم اپوزیسیون راست و سلطنت طلب ایرانی هم در همسویی با اسرائیل در این نسل‌کشی جان تازه‌ای دوباره یافته و در دشمنی و تقابل با نیروهای چپ و مترقی ایرانی در حمایت از اسرائیل سنگ تمام گذاشته است. برای جا نماندن از غافله و حقانیت دادن به خود و اعتبار گرفتن از دولت صهیونیستی اسرائیل به دیدار نیانتاهو نائل آمدند تا ضمن نوکر صفتی خود به امپریالیست‌ها و دولت منفور اسرائیل بخشی از تاریخ این نسل‌کشی را رقم بزنند.

### موقعیت زنان فلسطین

از جمعیت ۱.۴ میلیون نفری در خاک فلسطین حدود نیمی از این جمعیت را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. تراکم بالای جمعیت در این منطقه دشواریهای را برای زنان به‌مراه دارد. از یک سو، زنان در نوار غزه به علت شرایط غیر انسانی و توحشی که دولت اسرائیل در آنجا حاکم نموده و از سوی دیگر، جامعه مردسالاری، سیستم سیاسی و ایدئولوژیک مذهبی حاکم بر جامعه فلسطین، زنان فلسطینی مرتباً از هر دو سو مورد خشونت‌های سیستماتیک و ستم‌های مضاعف اند.

جنبش‌های زنان در فلسطین تاریخ طولانی را با خود به همراه دارد. سازمانها و تشکلهایی در این راستا شکل گرفته اند، ضمن اینکه با موانع و مشکلاتی روبرو اند اما همواره هم در تلاش بوده اند که ضمن متشکل نمودن زنان از حق و حقوق آنها هم دفاع نمایند. در فلسطین مانند هر جامعه مذهبی و مردسالار دیگر بویژه تحت حاکمیت بنیادگرایی اسلام زنان فلسطین همیشه با موانع و محدودیتهای جدی بر سر راه مبارزاتی و شرکت مستقیم برای دفاع از حق و حقوقشان از طرف همسران و مردان خانواده روبرو بوده اند.

سازمان غیر دولتی "حقوق و مشاوره زنان فلسطین" که دفتر مرکزی آن در اورشلیم است در مواردی از جمله: اعمال خشونت بر زنان در خانواده و طلاق و غیره.... یاری می‌رساند. یکی از بنیان‌گذاران این سازمان می‌گوید: "زنان فلسطینی بعد از سال‌های طولانی مبارزه اما به هیچ‌خاسته و مطالبه خود دست نیافته اند. زنان فلسطینی از دو سو با

خشونت و ستم روبرواند. یکی خشونت اشغالگران اسرائیلی و دیگری خشونت های اجتماعی، خانگی تحت اقتدار جامعه مردسالارانه فلسطینی.

برای نمونه، زنان در سال ۱۹۶۴ اتحادیه زنان فلسطین را بنیان نمودند و متشکل شدن زنان در این اتحادیه سبب ارتقاء آنها شد تا جائیکه جمعی دیگر از زنان انجمن ملی فلسطین را در اورشلیم تاسیس نمودند که بعد ها تعطیل شد. خشونت علیه زنان در فلسطین اشغالی و میلیتاریزه شدن این منطقه توسط دولت اسرائیل در طول بیش از ۷ دهه بصورت امری اجتناب ناپذیر درآمده است. طبق آمارهای مرکز آمار فلسطین در میان بیش از ۴۰۰۰ خانوار، ۲۳ درصد زنان دچار خشونت خانگی بوده اما بیش از یک درصد زنان شکایت کرده اند. دوسوم آنها گفته اند که مورد خشونت های روانی و سوء استفاده قرار گرفته اند. خشونت بر علیه زنان در سرزمین های اشغالی به علت عدم حمایت از طرف سازمانها و تشکلهای مدافع زنان در خانه ها مسکوت میمانند. از طرف دیگر، به علت نهادینه شدن قوانین متحجر اسلامی در جامعه، زنان تحت نام ناموس خانواده و حفظ آبروی خانوادگی از اقتضاء و اعتراض به خشونت علیه آنها ممانعت بعمل می آید. زنان و دختران فلسطینی معترض به خشونت های خانگی نه تنها از سوی خانواده های خود، بلکه از سوی جامعه هم تحت فشار قرار میگیرند. همچنین دستگاه قضایی فلسطین قتلها و جرم های ناموسی را جدی نمیگیرند و نهایتاً محکومیتها به چند سال زندان ختم خواهد شد. زندگی زنان فلسطین انعکاسی از دهه ها اشغال، درگیریها، محاصره، جداسازی و تسلط اسرائیل بر این سرزمین بوده و پیامدهای مخرب فراوانی از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای آنها به همراه داشته است.

تحرکات سیاسی ناشی از اشغال گری اسرائیل، درگیری های پیشین و تشدید این رویاروییها، تأثیرات شگرف و مهلکی بر مردم فلسطین به خصوص زنان داشته است. داده های اخیر سازمان ملل متحد نشان می دهند که بین سال های ۲۰۰۸ تا اواسط سال ۲۰۱۹ به دنبال حوادث و درگیری با شهرک نشینان اسرائیلی، ۵۵۰۱ نفر پس از شرکت در تظاهرات یا طی عملیات های ردیابی از سوی نیروهای اسرائیلی، جان خود را از دست داده اند که از این تعداد ۸۰۴ نفر زن و دختر بوده اند. همچنین، حدود ۹ هزار زن و دختر فلسطینی طی همین مدت مجروح شده اند. در دهه گذشته، عملیات نظامی اسرائیل علیه نوار غزه در تابستان ۲۰۱۴ عواقب بسیار جدی به همراه داشت. طبق گزارش سازمان ملل این عملیات تنها طی دو ماه (جولای و آگوست) منجر به کشته شدن ۲۹۹ زن، از جمله ۱۶ زن باردار و ۱۹۷ دختر و مجروح شدن بیشتر از ۲۰۰۰ نفر شد. پیامدهای این تهاجم نظامی و خشونت بی حد و حصر در میزان مرگ و میر مادران و نوزادان غزه ای نیز مشهود بود، به طوری که این آمار در نیمه دوم سال ۲۰۱۴ نسبت به نیمه اول آن دو برابر شد. بمب گذاریها و قتل عام اعضای خانواده و بستگان از نظر روحی و روانی آسیبهای زیادی را بر زنان فلسطین وارد نمود. اضافه بر این، بر اثر عواقب ناشی از تخریب گسترده نوار غزه حدود ۵۰ هزار زن و دختر فلسطینی در اماکنی زندگی می کردند که طی عملیات سال ۲۰۱۴ شدیداً تخریب شده بود. از طرف دیگر، آوارگی اجباری، کاهش دسترسی به اولیه ترین خدمات اجتماعی، درمانی و بهداشتی که تا قبل از جنگ ۶ ماه گذشته بر زنان فلسطین تحمیل شده بود باید بعنوان بخشی از محرومیت های اجتماعی و خشونت بر آنها به حساب آورد.

زنان فلسطینی تا پیش از جنگ اخیر هم با مشکلات عدیده ای در مراقبت از اعضای خانواده خود و تأمین معاش مواجه بودند. بر مبنای گزارش سازمان ملل آنها در شرایط غیرجنگی هم با انبوهی جمعیت، دسترسی به آب به مدت ۳ تا ۵ ساعت هر پنج روز یکبار و قطعی برق تا ۲۰ ساعت در روز مواجه بودند که شرایط زندگی را برای آنها بسیار دشوار نموده بود. همچنین کار خانگی با حداقل امکانات، محاصره اقتصادی و قطع برق طولانی مدت سبب افزایش خشونت های خانگی شده بود.

بخشی از زنان که همسرانشان را از دست داده و سرپرست خانواده اند مشکلاتی بمراتب بغرنج تر و دشوارتر از زنان دیگر فلسطینی دارند. طبق داده های رسمی حدوداً ۷۰۰ زن فلسطینی طی عملیات سال ۲۰۱۴ همسران خود را از دست دادند. این زنان با توجه به شرایط بد اقتصادی، سلطه مردسالاری و عدم دسترسی به خدمات اجتماعی، روبرو شدن با مسائل معیشتی و مسکن، در کمک به خانواده هایشان با مشکلات زیادی مواجه بودند. درصدی از آنها به دلیل آداب و رسوم عقب مانده مذهبی و سنتی، به ازدواج با برادر شوهر خود تن داده اند تا بتوانند از این طریق حضانت فرزندشان را بعهده بگیرند.

تأثیرات سیاست های ناشی از اسرائیل بر زنان فلسطینی در مقایسه با سیاست های مردسالاری حاکم بر جامعه فلسطین کاملاً متفاوت است؛ به عنوان مثال می توان به "تظاهرات روز سرزمین" در سال ۲۰۱۸ مصادف با هفتادمین سالگرد "نکبت"، اشاره کرد. این تظاهرات واکنش شدیدی را از سمت اسرائیل برانگیخت که خشن ترین اقدام علیه غزه از سال ۲۰۱۴ تا آن موقع بود و منجر به کشته شدن بیش از ۲۰۰ فلسطینی و زخمی شدن حدود ۱۸۰۰۰ نفر شد. بین ۳۰ مارس تا ۳۰ نوامبر ۲۰۱۸، یک دختر و زن فلسطینی که داوطلبانه به مجروحان کمک های پزشکی می دادند جان خود را از دست دادند و در همین زمان مجموعاً ۸۰۰۰ هزار زن و دختر مجروح شدند که ۶۸ درصد آنها با استنشاق گاز و ۱۰ درصد نیز با شلیک گلوله صدمه دیده بودند.

طبق تحقیقات بعمل آمده به علت نگرش ارتجاعی و جنیست زده بر جامعه فلسطین، زمانیکه زنان مجروح شده یا مورد آسیبهای جسمی قرار می گیرند، اجازه خروج از منزل و رفتن به دنبال مراقبتهای پزشکی را ندارند؛ آنها نباید به تنهایی از منزل خارج شوند و از سوی دیگر اگر دیگران از مجروح شدن این زنان مطلع شوند امکان دارد شانس ازدواج را از دست داده و در یافتن همسر با مشکل مواجه شوند. اکثر زنان شرکت کننده در تظاهرات مجبور بودند برای خروج از خانه از مردان خانواده مانند پدر یا شوهرشان اجازه بگیرند. همچنین بسیاری از زنان اذعان داشته‌اند که برای جلوگیری از بروز درگیریهای خانوادگی، پس از استنشاق گاز از دریافت مراقبت‌های بهداشتی اجتناب کرده‌اند.

از دیگر معضلاتی که زنان فلسطین با آن روبرو هستند رشد فزاینده شهرک سازی‌های اسرائیل و مصادره کردن مسیرهای مواصلاتی فلسطینیان، قائل شدن حق ویژه برای شهروندان اسرائیلی است این شهرکها بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی با جمعیتی بین ۵۲ هزار تا ۶۰ هزار نفر تخمین زده شده است. انتقال شهروندان اسرائیلی به این شهرکها و نیروهای نظامی اسرائیل برای محافظت از زیر ساختهای آن سبب عدم امنیت در زندگی مردم و در بسیاری مواقع اذیت و آزار، دستگیری و سرکوب مردم فلسطین بدون پیگردهای قانونی شده است. طبق تحقیقات انجام شده حدود ۹۰ درصد از شکایات ثبت شده در دفاتر پلیس اسرائیل پیرامون این حملات بدون هیچ نوع رسیدگی و محاکمهای خاتمه یافته است، در نتیجه این یورشها و تخریبهای بیشترین درصد خشونتها شامل زنان فلسطینی است. شهرک نشینان صهیونیستی، مرتباً زنان و کودکان فلسطینی را مورد اذیت و آزار قرار داده؛ برای نمونه آتش‌افروزی‌ای در سال ۲۰۱۵ به دست شهرک نشینان در شهر دوما در نزدیکی کرانه باختری انجام گرفت، کودکی ۱۸ ماهه به نام علی سعد دوباره زنده در آتش سوخت و پدر و مادرش که به سوختگی‌های شدید دچار شده بودند ظرف چند هفته بعد از او جان سپردند. این واقعه دلخراش در رسانه‌های بین‌المللی انعکاس وسیعی یافت. بسیاری از شواهد نشان می‌دهند شهرک نشینان هر زمان اراده کرده از اعمال خشونت بر مردم فلسطین دریغ ننموده‌اند. به علت نا امنی و وحشتی که ایجاد نموده‌اند از این رو زنان فلسطینی همواره نگران دستگیری، مجروح یا کشته شدن خود یا فرزندانشان به دست شهرک‌نشینان اسرائیلی‌اند و از ترک خانه‌های خود وحشت دارند. در مواردی هم مشاهده شده بالا گرفتن خشونت از طرف شهرک نشینان منجر به بروز خشونت‌های جنسیتی و حتی بقتل رسیدن شهروندان فلسطینی شده است. این خشونت‌های سیستماتیک از طرف نیروهای نظامی اسرائیل و شهرک نشینهای غاصب تأثیرات مخربی بر روح و روان زنان و کودکان فلسطینی گذاشته که منجر به مشکلاتی همچون اختلال در خواب، اضطراب و استرس و افسردگی شده است. از دیگر سیاست‌های آزاردهنده و هیستریک اسرائیل می‌توان از تخریب منازل مسکونی فلسطینیها در شب هنگام یا سپیده دم نام برد. طبق شواهد مواردی بوده مالک خانه را مجبور به تخریب ملک خود کرده‌اند. طبق آمارهای اعلام شده بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۴ حدوداً بیشتر از ۱۰۰۰ خانه ویران شده‌اند. اگرچه در این سیاست چند سالی وقفه افتاد، اما در سال ۲۰۱۴ دوباره از سر گرفته شد و از آن زمان تا اواسط سال ۲۰۱۹، ۷۸ خانه فلسطینی آسیب دیده یا به طور کامل ویران شده که باعث بی‌خانمانی ۳۲۵ نفر از جمله ۱۳۸ کودک شد.

طبق داده‌های سازمان فلسطینی آدمیر (Addameer)، از سال ۱۹۶۷ تا دسامبر ۲۰۱۳ حدود ۸۰ هزار فلسطینی از جمله حدود ۱۰ هزار زن بازداشت شده‌اند. در اواسط سال ۲۰۱۹، ۳۸ زن فلسطینی همچنان در زندان‌های اسرائیل اسیر بودند. بنابر گزارش‌های سازمان ملل، زنان فلسطینی مکرراً در خیابان‌ها، ایست‌های بازرسی اسرائیل یا طی یورش‌های شبانه بازداشت می‌شوند. زنان بازداشت شده قبل و بعد از جلسات دادگاه در معرض انواع خشونت‌های فیزیکی و روانی از جمله ضرب و شتم، توهین، آزار جنسی، حبس در سلول انفرادی، محرومیت از خواب و بازرسی بدنی قرار می‌گیرند. طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل گاهی برای ترساندن زنان بازداشت شده در بازجویی‌ها آن‌ها را به تخریب خانه یا دستگیری بستگان‌شان تهدید می‌کنند. گاهی این زنان را بدان جهت بازداشت می‌کنند که همسرانشان را مجبور به تسلیم شدن یا اعتراف کنند.

زنان محبوس شده از دسترسی به خدمات درمانی و مشاوره حقوقی و حق ملاقات با خانواده‌های خویش محروم‌اند. عواقب این برخوردهای خشونت آمیز و غیر انسانی سبب تشدید اضطراب، افسردگی و منزوی شدن زنان شده است.

مردم فلسطین بیشتر از ۷ دهه آوارگی اجباری را تجربه کرده‌اند. آوارگی اجباری و بلندمدت، منجر به آسیبهای روحی و روانی بر زنان فلسطینی شده است. طبق گزارش‌های اونروا، ۴۹ درصد از جمعیت پناهندگان فلسطینی را زنان تشکیل می‌دهند. نقض حقوق بشر به دلیل اشغال‌گری اسرائیل، دشواری‌های زندگی روزمره و نگرش‌های سنتی وضعیتی اسف بار برای زنان ساکن غزه و کرانه باختری به وجود آورده است. پژوهشگران پس از مصاحبه با بیش از ۵۰۰ زن پناهنده به این نتیجه رسیدند که ۳۳ درصد آن‌ها در معرض خشونت مستقیم از طرف نیروهای اشغال‌گر قرار گرفته‌اند و ۳۷ درصد آن‌ها نیز دستگیر یا بازجویی شده‌اند. این در حالی است که ۸۸ درصد آن‌ها بیان کرده‌اند که هنگام حمله ارتش اسرائیل به کمپ پناهندگان هر اسبیده بودند و ۷۷ درصد نیز نسبت به احتمال بیرون رانده شدن مجدد از خانه‌هایشان اظهار نگرانی کرده‌اند.

بسیاری از زنان فلسطینی بارها و بارها آواره شده‌اند. بعنوان مثال، در اوج عملیات اسرائیل علیه غزه در سال ۲۰۱۴ حدوداً نیم میلیون نفر ناچار به ترک خانه‌های خود شدند. برخی از آن‌ها به پناهگاه‌های موقتی که به دلیل وضعیت اضطراری شلوغ و آکنده از جمعیت بود پناه بردند و برخی به منزل بستگان‌شان رفتند. چنین شرایط متزلزل و پر مخاطره‌ای تأثیر بسیار مخربی روی زنان فلسطینی و فرزندانشان گذاشت. سطح ویرانی‌های گسترده در غزه موجب افزایش آزار و خشونت‌های جنسیتی زنان و دختران شده است. از آنجائیکه زنان فلسطینی از نظر حقوقی با مردان مساوی نیستند بنابراین، آنها برای رفع مشکلاتشان در رابطه با مهاجرت اجباری یا تخریب خانه‌هایشان با محدودیت و موانعی جدی روبرو‌اند.

در جامعه مذهبی فلسطین، پدیده ازدواج در سنین پائین از طریق مهاجرت داخلی به علت حفظ دختران جوان در بعضی خانواده‌ها اجباری است. در حالیکه این نوع نگرش عقب مانده در عمل مانع ادامه تحصیل و شکوفایی دختران و پایمال شدن حقوق انسانی‌شان شده است.

از مشکلات دیگر فلسطینیان بویژه زنان آوارگی اجباری در کشورهای همسایه بوده، در سال ۲۰۱۲، طی یک نظرسنجی که در کمپ‌های پناهندگان فلسطینی واقع در لبنان انجام گرفت ۸۲ درصد پاسخ به این نظر سنجی مربوط به زنان بود. این بررسی نشان داد که ۵۲ درصد از این زنان حداقل به یک نوع بیماری مزمن و ۵۵ درصد نیز به نوعی اختلال روانی مبتلا بودند.

اختلال در زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی، عدم دسترسی مستقیم به دارو قطع برق بمدت طولانی، عدم امکان جابه‌جایی سریع، دشواری دریافت مجوز و گذر از ایست‌های بازرسی دسترسی زنان فلسطینی به مراقبت‌های پزشکی را با محدودیتهای جدی روبرو ساخته بود.

بسیاری گزارش‌ها حاکی این است: که برخی زنان به دلیل خودداری یا تأخیر نیروهای اسرائیلی در صدور مجوز انتقال آن‌ها به بیمارستان، در ایست‌های بازرسی امنیتی، آمبولانس‌ها یا تاکسی‌ها وضع حمل کرده‌اند.

نوار غزه بیش از یک دهه محاصره، عملیات‌های پی‌درپی اسرائیل در نواحی محلی و محدودیت در دسترسی به کمک‌های بشردوستانه و خدمات بهداشتی و درمانی، مردم فلسطین را با دشواریها و معضلات بسیار نامناسبی روبرو ساخت. اسرائیل برای کنترل مرزها، صدور مجوز خروج بیماران از غزه را از ۹۲ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۵۴ درصد در سال ۲۰۱۷ کاهش داد. این کاهش غیر مترقبه در صدور مجوزها دریافت درمان و مراقبت‌های پزشکی که اسرائیل به عنوان یک سلاح در مورد فلسطینها بکار برده مشکلات جانی بسیاری برای بیماران بوجود آورد. همچنین بازپرسی‌های پرخاشگرانه و غیر انسانی با زنان بیمار بدون توجه به وضعیت نامساعدشان، نمونه‌های بارزی از توحش نیروهای نظامی اسرائیلی است که تا کنون بطور سیستماتیک عمل کرده است. فعالان حقوق زنان، وضعیت وخیم زنان فلسطینی مبتلا به بیماریهای مزمن از جمله سرطان که درمان مناسبی در نوار غزه دریافت نمی‌کنند و نیازمند دریافت مجوزهای درمانی از مصر یا کرانه باختری‌اند، از طرف فعالان حقوق زنان افشاء و محکوم شده است.

پس از عملیات اسرائیل علیه غزه در سال ۲۰۱۴، به علت کمبود کادر درمانی و کیفیت نامناسب سیستم درمانی سبب سقط جنین و همچنین زایمان زودرس و افزایش مرگ و میر مادران و نوزادان شد. طبق اظهارات زنان فلسطینی در زمان‌های بحرانی و جنگی، اولویت مراقبت از بیماران در بیمارستان‌ها با مجروحان جنگی است. تا پیش از حملات اخیر اسرائیل به غزه نیز در طول چنین بحران‌هایی، ۴۵ هزار زن از دسترسی به خدمات ابتدایی باروری محروم شدند و حدود ۵۰۰۰ کودک در شرایط بسیار نامناسب متولد شدند. به تأیید سازمان ملل جنگ جاری در غزه این ارقام را چندین برابر کرده است.

بسیاری از زنان فلسطینی با وجود اینکه خود بیمار، مضطرب یا افسرده بودند وظیفه مراقبت از اعضای آسیب دیده یا ناتوان خانواده خویش را نیز به عهده داشتند. دختران جوان فلسطینی به علت فضای حاکم عقب مانده مذهبی بر جامعه امکان بسیار محدود دسترسی به بخش مراقبت‌های روحی و روانی را دارند علتش هم این است که شانس آنها برای ازدواج کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر، عدم دسترسی این دختران جوان به مراقبت‌های بهداشتی به دلیل مشکلات اقتصادی، اجازه ندادن خانواده یا نبود همراه برای مراجعه به مراکز بهداشتی، کمبود پزشکان و پرستاران زن، ازدواجهای زودرس و مادر شدن در سنین پائین، آنها را به گروهی بسیار آسیب پذیر تبدیل کرده است. بسیاری از دختران جوان تا قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند. بر اساس آمارهای رسمی، ۲۰ درصد از زنان فلسطینی قبل از تولد ۱۸ سالگی‌شان ازدواج می‌کنند، در حالی ازدواج در این شرایط سنی در مورد مردان یک درصد را رقم می‌زنند. با توجه به تحقیقات منتشر شده از سال ۲۰۱۴، ۲۵ درصد از زنان ما بین ۲۰ تا ۲۴ ساله در غزه و ۱۹ درصد از زنان مقیم کرانه باختری پیش از تولد ۱۸ سالگی‌شان زایمان کرده بودند.

بخش دیگر زنان معلول هستند که بشدت آسیب پذیراند. طبق تحقیقات به عمل آمده در غزه ۶۵ درصد زنان و دختران معلول از ابتدایی ترین خدمات بهداشتی محرومند و تحت انواع خشونت‌های کلامی، جسمانی، مالی یا جنسی قرار می گیرند، اکثر این زنان مجردند.

### وضعیت زنان و کودکان غزه در طول ۶ ماه نسل کشی اسرائیل

ریم السالم گزارشگر سازمان ملل در امور خشونت علیه زنان تأکید کرد زنان غزه در معرض رفتارهای غیرانسانی و توهین آمیز هستند. حملات اسرائیل در غزه زنان و کودکان را هدف قرار می‌دهد. بیش از ۳۵۴۰۰ هزار فلسطینی کشته شده‌اند که ۷۰ درصد آنها زنان و کودکان هستند. نباید اجازه این کشتار جمعی علیه زنان و کودکان فلسطینی را بدهیم. آنها در معرض جنایت‌های جنگی هستند به این دلیل که فلسطینی و زن هستند. این جنگ همچنین منجر به یک فاجعه انسانی بی‌سابقه و ویرانی گسترده در زیرساخت غزه شده است.

به نقل از وبگاه عربی ۴۸، این گزارشگر می افزاید: وضعیت جنگی غزه تاثیر اسفناکی روی زنان گذاشته است. آنها همسرانشان را از دست می‌دهند. هر ساعت ۲ مادر کشته می‌شود و تعداد زیادی از کودکان یتیم شده‌اند. اسرائیل از ورود کمک‌های بشر دوستانه عمداً به غزه ممانعت نموده و گرسنگی را به مردم تحمیل نموده است.

وی گفت: زنان باردار در غزه مجبور هستند در سایه بمباران و کمبود خدمات پزشکی وضع حمل کنند. برخی زنان مجبور هستند بدون داروی بیهوشی یا حمایت واقعی در محیطی زایمان کنند که بخش بزرگی از تجهیزات پزشکی در آن از بین رفته است. زنان در غزه در معرض یک رفتار غیر انسانی و توهین آمیز قرار دارند و ما به شدت نگران این مساله هستیم.

السالم به گزارش مشترک تعدادی از گزارشگران سازمان ملل اشاره کرد که در آن به رنج و مشکلات غیرنظامیان فلسطینی به ویژه زنان و کودکان پرداخته شد.

السالم گفت: این گزارشگران - گزارش‌های موقتی را درباره اعدام زنان فلسطینی با کودکانشان و بازداشت اجباری و انتقال فلسطینی‌ها به بازداشتگاه‌ها در کرانه باختری و اراضی اشغالی به دست آوردند. همچنین کارکنانی در بخش نظارت پزشکی و مدافعان حقوق بشر و کودکان به بازداشتگاه‌های اسرائیلی منتقل شدند. همانطور که همه می‌دانیم یک کودک فلسطینی نیز به اسرائیل برده شد و این یک جنایت جنگی است و اقدامی است که می‌توان آن را جزو نسل کشی به حساب آورد. ما در این گزارش نسبت به رفتار غیرانسانی و توهین آمیز اسرائیل با زنان و دختران فلسطینی ابراز نگرانی کردیم.

این گزارشگر گفت: زنان غزه در معرض تهدیدات به تجاوز جنسی قرار دارند. همچنین گزارش‌های وحشتناکی را درباره برهنه کردن زنان فلسطینی و عکس گرفتن از آنها به ویژه حین بازجویی دریافت کردیم. سربازان اسرائیلی تصاویر این زنان را بین خود و در اینترنت پخش کرده‌اند و این نقض قوانین جنگ است.

اخیراً صندوق جمعیت سازمان ملل از گزارش‌های مربوط به ضرب و جرح، بازداشت، توهین، تجاوز یا اعدام زنان فلسطینی به دست افسران اسرائیلی ابراز نگرانی و تأکید کرد: زنان و دختران اهداف نیستند.

گزارشگر سازمان ملل گفت: هر فردی که مرتکب اقدامات خشونت آمیز می‌شود، باید محاکمه شود. نظام قانون بین‌المللی در یک خطر جدی قرار دارد. این جنایت‌های خطرناک در جنگ غزه نباید بدون مجازات باقی بماند و باید فوراً متوقف شود.

وی تأکید کرد: باید آتش‌بس برقرار شده و فوراً اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه داده شود. همچنین باید اسرای اسرائیلی در غزه و فلسطینی‌ها آزاد شوند و سرنوشت مفقود شدگان نیز مشخص شود. همچنین باید افرادی که به صورت اجباری به کرانه باختری یا اسرائیل برده شده‌اند، بازگردانده شوند. ما با برخی قربانیان تماس برقرار کرده‌ایم اما آنها نمی‌توانند جزئیات بیشتری را ارائه دهند. اگر دلایل پشت حملاتی که بعد از هفت اکتبر آغاز شده حل نشود، آینده فلسطین و اسرائیل و همچنین تمام منطقه امیدوار کننده نخواهد بود.

آمارهای نهادهای مختلف وابسته به سازمان ملل نشان از آثار تخریبی جنگ غزه بر زنان را دارد. بر اساس گزارش ماه ژانویه ۲۰۲۴ بخش زنان سازمان ملل متحد، از زمان آغاز جنگ در غزه، در هر ساعت دو مادر در این جنگ کشته شده‌اند و از ۱.۹ میلیون نفری که در غزه آواره شده‌اند، نزدیک به یک میلیون نفر آنان زنان و دختران اند. در این گزارش آمده است که زنان و دختران جوان با توجه به ترس و وحشت، تجارب جنسیتی و مورد اذیت و آزار قرار گرفتن در مسیر فرار، نمی‌دانند چه زمانی، چگونه و به کجا باید بروند.

زنان و دختران غزه طی این چند ماه جنگ نه یک بار، بلکه بارها آواره و ناگزیر از تغییر محل زندگی خود شده اند. آژانس سازمان ملل متحد برای برابری جنسیتی هم در دوم مارس ۲۰۲۴ گزارش داد که نیروهای اسرائیلی از ماه اکتبر حدود ۹۰۰۰ زن را کشته اند؛ این بدان معنی است که اسرائیل هر روز به طور میانگین ۶۳ زن را در غزه کشته است.

بر اساس این گزارش، روزانه ۳۷ مادر کشته شده و فرزندان آنها بدون کمترین حمایت باقی مانده اند. هدفگیری عمدی و کشتار زنان و کودکان فلسطینی در مکان‌هایی که آنها پناهنده شده بودند یا هنگام فرار پرچم‌های سفید را حمل می‌کردند، از جنایات ارتش اسرائیل در این مدت بوده است.

به جز کشته‌ها بر اثر بمباران‌های اسرائیل، بیانیه ۱۹ فوریه ۲۰۲۴ کارشناسان سازمان ملل هم اعلام کردند که زنان و دختران فلسطینی در غزه به طور خودسرانه اعدام شده اند.

بر اساس این گزارش، زنان اغلب همراه با اعضای خانواده از جمله فرزندانشان اعدام می‌شوند. تعداد نامعلومی از زنان و کودکان فلسطینی از جمله دختران پس از تماس با ارتش اسرائیل در غزه ناپدید شده و کودکانی از والدین خود جدا شده اند و محل نگهداری آنها مشخص نیست. حداقل یک نوزاد دختر هم اجباراً به اسرائیل منتقل شده است.

از دست دادن اعضای خانواده، اعم از همسر و فرزندان رنج مضاعف دیگری است که زنان فلسطینی با آن مواجهند. کمتر خانواده‌ای در غزه هست که یک یا چند عضو خانواده خود را از دست نداده باشد. بازمانده‌هایی که به دلیل شدت و حجم بالای مصیبت‌های وارده، حتی امکان سوگواری برای عزیزان خود را ندارند.

بر اساس گزارش‌های سازمان ملل، حدود سه هزار زن در جریان تهاجم اسرائیل همسران خود را از دست داده و به عنوان سرپرست خانواده با کمبود مواد غذایی مواجهند؛ این در حالی است که رنج کودکانی که پدر یا مادر یا هر دو آنها را از دست داده اند نیز بی پایان است و این کودکان که بعضاً مسئولیت خواهر یا برادر کوچکتر خود را نیز بر عهده دارند. بر اساس برآورد دوم فوریه ۲۰۲۴ یونیسف، حداقل ۱۷۰۰۰ کودک در نوار غزه در جنگ غزه یتیم شده اند.

موضوع زنان غزه را نمی‌توان از موضوع کودکان غزه جدا دانست، همانگونه که موضوع کودکان غزه از موضوع زنان و مادران جدایی‌ناپذیر است. به عبارتی کشته شدن زن یا مادری، اکثراً همراه با کشته شدن کودک یا کودکانی خردسال همراه است.

از بعد از حمله اسرائیل، ۵۰۰۰۰ زن باردار در غزه با مشکلات خاص خود مواجهند. از این عده روزانه ۱۸۳ زایمان در نبود امکانات پزشکی و بهداشتی، پزشکی یا ماما و پرستار و امکان مراقبت‌هایی در طول زایمان و پس از آن، داروهای مسکن و بیهوشی صورت می‌گیرد.

طبق گزارش‌ها مادران در دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، تغذیه و توجه کافی حین و بعد از زایمان با چالش‌های غیرقابل‌تصور مواجهند. در جریان جنگ غزه بسیاری از زنان باردار در اردوگاه‌ها و مکان‌های نامناسب بر روی زمین وضع حمل کرده‌اند. ۴۰ درصد از زنان باردار جانشان واقعاً در خطر جدی بوده و در صورت نیاز به سزارین توسط پزشک، بدون داروی بیهوشی و آب و مواد ضد عفونی برای شست‌شوی دست و آنتی‌بیوتیک برای مقابله با عفونت‌های بعد از زایمان عمل انجام شده است.

آمارها در مورد افزایش ۲۰ درصدی میزان سقط جنین و نوزادانی که مرده به دنیا آمدند توسط مادران باردار از زمان حمله اسرائیل به این سو قابل توجه است. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد تخمین زده است ممکن است ۸۴۰ زن عوارض مربوط به بارداری یا زایمان را تجربه کنند.

اگر مادران و نوزادان از این فرایند دردناک دوران بارداری و زایمان به سلامت عبور کنند و در بمباران‌های گسترده اسرائیل هم کشته نشوند، به دلیل مشکلات بعدی همچون گرسنگی با خطر سوء تغذیه و مرگ مواجهند.

محدودیت و ممنوعیت ارسال کمک‌های بشردوستانه، به زنان و فرزندان بیشترین آسیب را وارد کرده است. در این میان زنان باردار و زنان شیرده با خطر سلامتی و سوء تغذیه حاد مواجهند. نه آب سالم و نه غذای کافی و مناسب برای مادران موجود است که بتوانند نوزادان خود را شیر بدهند و نه شیر خشک برای نوزادان. حتی اگر شیر خشکی هم پیدا شود، آب سالمی که با شیر مخلوط شود و به نوزاد گرسنه داده شود، موجود نیست.

به همه اینها باید نبود سوخت برای جوشاندن و گرم کردن آب، عدم دسترسی به لباس گرم و مناسب و امکان شست‌شو و در کل محیطی که بتوان اسکان یافت اضافه نمود. بسیاری از مادران بلافاصله پس از وضع حمل (چه زایمان طبیعی و چه با سزارین) به همراه نوزاد خود در شرایط بفرنجی با پای پیاده ناگزیر از حرکت و ترک محل خود به سمت محل جدید بوده اند.



در میان چالش های چندگانه برای زنان و دختران غزه، اگر کمک های بشردوستانه هم هر چند وقتی برسد، امکان دستیابی زنان و دختران به این کمک ها به مراتب دشوارتر و محدودتر از مردان و پسرهاست. تصاویر و فیلم ها در زمان توزیع مواد غذایی گویای حضور حداقلی یا عدم حضور زنان است.

به گزارش سازمان ملل حدود ۲.۱ میلیون فلسطینی به کمک بشردوستانه نیاز دارند که از این میان ۴۹.۲ درصد آنها را زنان تشکیل می دهند. بر اساس آمار بخش زنان سازمان ملل، نزدیک به ۹ زن از هر ۱۰ زن گزارش داده اند که دسترسی آنها به غذا نسبت به مردان دشوارتر است.

جدا از کمبود یا نبود مواد غذایی که همه اهل غزه را هدف قرار داده است، نبود محصولات بهداشتی به طور خاص برای زنان و دختران یک معضل جدی است. استفاده زنان و دختران از قطعات پارچه و تکه های بریده لباس های مستعمل در مواقع ضروری عادت ماهانه یا بعد از زایمان، خطر عفونت در بین آنها را به شدت افزایش داده است.

ضمن اینکه کمبود دوش حمام و سرویس های بهداشتی و آب برای شست و شو در بین زنان و دختران رنج زندگی و زنده ماندن را برای آنها به مراتب بیشتر کرده است، آخرین داده های سازمان بهداشت جهانی نشان میدهد که بطور متوسط ۵۰۰ نفر از یک سرویس بهداشتی مشترک استفاده می کنند و بیش از ۲۰۰۰ نفر مجبور به استفاده از یک دوش هستند.

علاوه بر فقدان این نیازهای اولیه زندگی بعد از حمله اسرائیل که شامل اکثریت مردم غزه میشود، در سرزمین های اشغالی نه فقط مردان، زنان نیز با خطرات بازداشت خودسرانه و ضرب و جرح و آزار و اذیت و رفتارهای توهین آمیز مواجهند.

گزارشگر سازمان ملل در امور خشونت علیه زنان با اعلام اینکه زنان غزه در معرض رفتارهای غیرانسانی و توهین آمیز هستند، گفته " آنها در معرض جنایت های جنگی هستند به این دلیل که فلسطینی و زن هستند." کارشناسان سازمان ملل از بازداشت خودسرانه صدها زن و دختر فلسطینی به ویژه مدافعان حقوق بشر، روزنامه نگاران و فعالان سازمانهای بشردوستانه در نوار غزه و کرانه باختری از ۷ اکتبر تا کنون خبر داده و از رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز با آنها، محرومیت از مواد بهداشتی، غذا و دارو و ضرب و شتم شدید آنها گزارش داده اند.

گفته شده که حداقل در یک مورد، زنان فلسطینی بازداشت شده در غزه بدون غذا در قفس در زیر باران و سرما نگهداری شده اند. این کارشناسان از گزارش هایی مبنی بر تجاوزهای جنسی متعدد به زنان و دختران فلسطینی در بازداشت، برهنه کردن و تفتیش زنان و دختران توسط افسران مرد ارتش اسرائیل و عکس گرفتن از آنها حین بازجویی و تهدید به تجاوز جنسی و خشونت جنسی پرده برداشته اند.

سربازان اسرائیلی تصاویر این زنان را بین خود و در فضای مجازی پخش کرده اند. گذشته از انتشار عکس های تحقیرآمیز زندانیان زن فلسطینی توسط سربازان اسرائیلی در اینترنت، تصاویر بسیاری از سربازان فاشیست اسرائیلی، با لباس های زیر زنان فلسطینی در شبکه های اجتماعی منتشر شده است.

تمام موارد ذکر شده از نمونه های بارز و آشکار جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بین المللی توسط اسرائیل در مورد مردم غزه بویژه زنان است.

### **تجاوز نظامیان اسرائیلی به زنان فلسطینی**

شبکه " الجزیره " به نقل از یک شهروند فلسطینی تحت محاصره در مجتمع پزشکی " الشفاء " در نوار غزه فاش کرد که نیروهای اسرائیلی به چند زن فلسطینی در این مجتمع پزشکی تجاوز کرده اند و سپس آنها را به قتل رسانده اند.

نیروهای اشغالگر چند خانواده را به طور کامل کشتند و آنها را آتش زدند. آنها به " چند زن تجاوز کردند سپس آنها را کشتند." این بخشی از جملاتی است که " جمیله الهسی " از زنان تحت محاصره در مجتمع پزشکی الشفاء در نوار غزه به شبکه الجزیره خبر داده است.

مجتمع پزشکی شفا چند روزی است که تحت محاصره کامل ارتش اسرائیل قرار دارد و طبق گفته شاهدان عینی، نظامیان اسرائیلی به هر کسی که در اطراف این بیمارستان تردد می کند، شلیک می کنند.

جم طه الهسی در ادامه اضافه می کند: " ما از صلیب سرخ می خواهیم برای کودکان و بیماران آب فراهم کنند. ما با نبود آب و غذا " روبرو هستیم و نمی دانیم به کجا باید برویم.

الهسی می گوید: " اسرائیل مباران می کند و ما هیچ راهی برای فرار نداریم. نه صلیب سرخی هست و نه نمی تواند برای ما مقداری آب فراهم کند."

این شهروند فلسطینی اشاره می‌کند که اشغالگران ۶۵ خانواده فلسطینی را وادار به ترک مجتمع پزشکی الشفاء در نوار غزه کرده‌اند و یک ساختمان را که این خانواده‌های فلسطینی در آن پناه گرفته بودند، به آتش کشیده‌اند.

اشغال فلسطین و پیامدهای مُخرّب آن از مرگ، بازداشت، مهاجرت اجباری، آوارگی، فقر و فلاکت، بیکاری، بیماری‌های جسمی و روانی و مشکلات وخیم بهداشتی و درمانی گرفته، برای زنان فلسطینی آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را با خود به همراه داشته است. اما ستم جنسیتی ای که زنان فلسطین در یک جامعه مذهبی و مردسالانه هم متحمل میشوند را نمی‌توان نادیده گرفت. همانطور اشاره شد زنان و دختران فلسطینی از دو سوی ارتجاع صهیونیستی و ارتجاع بنیادگرایی اسلامی تحت اسارت و نابرابری جنسیتی اند.

### کودکان فلسطینی دربند در زندانهای رژیم صهیونیستی

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در زندان‌های رژیم اسرائیل از هر پنج کودک، چهار کودک (۸۶ درصد) مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. نزدیک به نیمی از کودکان بازداشتی ۴۲ درصد هنگام دستگیری مجروح شده‌اند که شامل جراحات گلوله و شکستگی استخوان می‌شود.

۶۵ درصد از کودکان بین نیمه شب تا سحر دستگیر شدند. ۸۶ درصد کودکان تجربه کتک خوردن داشتند؛ ۷۰ درصد به آسیب‌های جدی‌تر تهدید شده‌اند و ۶۰ درصد نیز با اسلحه یا چوب مجروح شدند. خشونت جنسی نیز یکی از آزار و اذیت‌های متداول در بازداشتگاه‌های صهیونیستهاست و ۶۹ درصد کودکان خبر دادند که موقع بازرسی برهنه شده یا اندام جنسی‌شان لمس شده یا ضربه خورده است. ۶۰ درصد کودکان سلول انفرادی را با مدت زمان متفاوت از یک روز تا ۴۸ در روز تجربه کرده‌اند؛ ۷۰ درصد گفتند که با گرسنگی شکنجه شدند و همین تعداد اعلام کردند در طول بازداشت هیچ مراقبت بهداشتی دریافت نکردند. ۵۸ درصد از کودکان در زمان بازداشت از ملاقات یا ارتباط با خانواده خود محروم شدند. اتهامی که بیشتر کودکان به آن متهم شده سنگ پرانی عنوان شده است.

اگر شانس با کودکان یاری کند و در تبادل اسراء مشمول آزادی شوند، ضمن اینکه دچار آسیب‌های روحی و روانی شده‌اند احتمال برگشت آنها به زندگی عادی به آسانی نیست. طبق گزارش‌ها بیشتر این کودکان در بند از بی‌خوابی و کابوس مکرر رنج می‌برند. بعد از آغاز دور جدید درگیری‌ها پس از عملیات "طوفان الاقصی" در هفتم اکتبر و نسل‌کشی اسرائیل تا کنون بالای ۱۵۰۰۰ کودک به قتل رسیده‌اند. نورنیوز

سالانه بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کودک فلسطینی در بازداشتگاه‌های رژیم صهیونیستی در شرایط بسیار بد جسمی و روحی نگهداری می‌شوند و تنها کودکانی در جهان هستند که حضور و پیگرد قضایی در دادگاه‌های نظامی را تجربه می‌کنند. این واقعیت تراژیک، فقط مختص به مبارانها نیست که هر از چند گاهی سن امید به زندگی را در این باریکه ساحلی از کودکان می‌گیرد، باید از زندان‌های بیشمار اراضی اشغالی نام برد که مملو از کودکان است.

بر اساس همین قوانین، ۱۹ زندان داخل اراضی اشغالی و یک زندان در کرانه باختری اشغالی همواره مملو از اسرای فلسطینی است. علاوه بر این، عنوانی به نام "بازداشت اداری" هم وجود دارد که بر اساس آن رژیم صهیونیستی به خود اجازه می‌دهد یک نفر را بدون هیچ اتهامی برای مدتی نامحدود پشت میله‌های زندان نگه دارد. دستورهای نظامی رژیم صهیونیستی برای کودکان بسیار ظالمانه است؛ برای مثال رژیم صهیونیستی می‌تواند کودکان فلسطینی را قبل از ارائه کیفرخواست به مدت ۱۵ روز در بازداشتگاه نگهداری کند و دادگاه نظامی می‌تواند این بازداشت را ۴۰ بار تمدید کند. بر همین اساس سالانه بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کودک در بازداشتگاه‌های رژیم صهیونیستی نگهداری می‌شوند و تنها کودکانی در جهان هستند که حضور و پیگرد قضایی در دادگاه‌های نظامی را تجربه می‌کنند.

سیمای این جنگ نابرابر بین اسرائیل و غزه را باید در ادامه بلوک بندیهای بین شرق و غرب دنبال نمود. دو طرف درگیر جنگ، دولت نیاتناهو و حماس بر خلاف درکهای متفاوتی از موقعیت این دو در سطح جهان که یکی نماینده دولت شووینست یهودی و دیگری بنیادگرایی اسلامی است باید گفت: هر کدام متعلق به یکی از دو بلوک غرب و شرق اند و جنگ و ادامه اش دقیقاً تابعی از سیاستهای این دو بلوک است.

دولت آمریکا که در شکل‌گیری و بقدرت رسیدن دولت اسرائیل نقش اصلی را داشته، امروز حمایتش از اسرائیل در جنگ غزه با استراتژی بدست آوردن دوباره قدرت بلامنازع در منطقه می‌باشد. سیاست فعلی دولت آمریکا و اسرائیل، یعنی تضمین بیشترین مناطق نفوذ برای آمریکا و کاهش سهم بالقوه رقبا در منطقه است. در کل سیاست جنگ طلبانه و توسعه طلبانه آمریکا در منطقه طی دو دهه گذشته (با جنگ عراق، افغانستان و لیبی...) و امروز با جنگ غزه با شکست مواجه بوده، اسرائیل هم با قیام شدن پشت آمریکا به نام جنگ با حماس و قتل عام هزاران انسان در غزه دقیقاً همین سیاست را دنبال می‌کند. سهم و مشارکت اتحادیه اروپا و بریتانیا و کانادا از آنجائیکه عضو ناتو هستند و به حمایت

از اسرائیل از نظر تسلیحاتی و مالی برخاسته و مهر تائید بر نسل کشی غزه توسط دولت اسرائیل را زده اند، باید در ادامه همین سیاستی دانست که امریکا و اسرائیل در منطقه دنبال می کنند.

اعلام جنگ بر "علیه سیاستهای تروریستی حماس" بعد از ۷ اکتبر تنها مختص به امروز نیست بلکه بیش از بیست سال پیش در آغاز دهه ۱۹۸۰ بطور رسمی جنگ بر "علیه تروریسم" از جانب ریگان رئیس جمهور امریکا اعلام شد، و در دوران ریاست جمهوری بوش (پدر) و کلینتون نیز ادامه داشته است. تعقیب سیاست "جنگ علیه تروریسم" در امریکای لاتین در این دوره عامل سازماندهی جوخه‌های مرگی بود که به مرگ چند صد هزار نفر ختم شد. در همین دوره این سیاست دولت امریکا در کشتار یک و نیم میلیون نفر را در جنوب افریقا از طریق مداخله نظامی در آنگولا و موزامبیک و نامیبیا از سوی دولت وقت نژاد پرست افریقای جنوبی بمنزله ارتش نایب امریکا را نباید فراموش نمود. دولت امریکا عامل اصلی تروریسم به معنای کشتار مردم غیرنظامی برای اهداف سیاسی در جهان بوده است و در این دوره با حمایت اسرائیل همین نقش را بار دیگر ایفاء می کند.

دولت اسرائیل با این حربه که یهودیان در اردوگاههای فاشیسم هیتلری قتل عام شدند، بیش از ۷ دهه است مردم فلسطین را به خاک و خون کشیده، اما در جریان کشتار مردم غزه افکار عمومی جهان و مردم آزادیخواه طرفدار فلسطین به نیاتتاهو و کابینه اش به چشم همان فاشیست هیتلری می نگرند. واقعیتهای امروزی جنگ غزه نشان میدهد که این جنگ نه تنها پیروزی برای اسرائیل و امریکا نداشته بلکه بعد از این جنگ، منطقه خاورمیانه شاهد تنشهای جدی تر سیاسی و نظامی خواهد بود. این نسل کشی و عدم موافقت با پایان کشتار مردم غزه باعث شده که تنشهای داخلی و منطقه‌ای در اشکال تازه تری بروز پیدا کنند. در دو سه روز گذشته ما نمونه عینی آن را شاهد بودیم، گسترش دامنه جنگ از غزه هم فراتر رفته و اسرائیل و ایران در یک رودرویی تسلیحاتی مستقیم قرار گرفته اند. به دلیل عدم حمایت امریکا و ناتوانی رژیم صهیونیستی در دست یافتن به اهدافش در غزه این رژیم بدون دریافت کمک از امریکا و برینانیا و آلمان قادر به درگیر شدن در جنگ دیگری نیست، به همین دلیل امکان حمله تلافی جویانه از طرف اسرائیل به ایران غیر محتمل بنظر میرسد.

ما به عینه شاهدیم که تلاشهای سازمان ملل و قطعنامه شورای امنیت (بطور سمبولیک) در وادار نمودن دولت اسرائیل به پذیرش آتش بس تا کنون ناکام مانده است. جنبش اجتماعی در حمایت از مردم غزه و فلسطین که در ماههای گذشته به طور مستمر و گسترده در صحنه حضور داشته و با سازماندهی اعتراضات گسترده جهانی در افشای جنایات اسرائیل نقش برجسته و تعیین کننده ایی ایفاء نموده، می توان گفت این نیروی اجتماعی تنها نیرویی است که خواهد توانست با سازمانیابی منسجمتر و وسیعتر در هم سوئی با حکم دادگاه لاهه در پاسخ به شکایت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل مبنی بر نسل کشی اسرائیل در غزه، سیاست جنگی دولت اسرائیل را متوقف نموده و پایانی باشد بر جنایات دولت اسرائیل و حامیانش در منطقه خاورمیانه.

۱۵ آپریل ۲۰۲۴

فروردین ۲۸، ۱۴۰۳